

نامه سردبیر

این شماره فصلنامه در فصلی منتشر می‌شود که مقارن با انتخابات ریاست جمهوری است. شرایط کشور ما در سالهای اخیر چنان بوده که هر دوره انتخابات سرنوشت‌سازتر از دوره‌های قبلی به نظر می‌رسد و این بدان معناست که متأسفانه هنوز ثبات سیستماتیک بر نظام اداری ما حاکم نیست و تصمیمات فردی اشخاص می‌تواند تأثیرات مثبت یا منفی فوق‌العاده روی سرنوشت کشور بگذارد.

به نظر می‌رسد انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری، فرصتی برای ارزیابی نظام آموزش عالی کشور نیز هست. در ۲-۳ دهه گذشته، جامعه ایرانی سرمایه‌گذاری عظیمی روی توسعه آموزش عالی داشته و سطح پوشش آن را افزایش چشمگیری داده است. ما امروز می‌توانیم به رشد تعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی خود ببالیم. اما همواره این سوال را هم در گوشه ذهن خود داریم که این رشد در واقع چه میزان کیفیت و عمق دارد و چقدر توانسته است به توسعه ذهنی دانش‌آموختگان و کل جامعه ایرانی منجر شود؟

یکی از راه‌های پاسخ‌یابی برای این سوال، همین انتخابات است. باید ببینیم جامعه ایرانی که اکنون میانگین سطح تحصیلات آن بسیار بالاتر رفته است، چه میزان پخته‌تر رای می‌دهد؟ چقدر به ظواهر توجه دارد؟ چقدر به معیارهای قومیتی اهمیت می‌دهد؟ وعده‌های زودگذر و شعارهای تند (بوئژه در مورد موضوعات کوتاه مدت اقتصادی) چقدر برای آن مهم است؟ و بالاخره اینکه چقدر به سوابق مدیریتی، پختگی، توسعه‌گرایی و نگاه بلند مدت نامزدها رای خواهد داد؟

اگر شاهد باشیم که می‌توان مردم ایران را با شعارها، وعده‌ها و اقدامات و تبلیغات زودگذر اقناع کرد، درخواهیم یافت که نظام آموزش عالی ما صرفاً به صدور مدرک اکتفا می‌کند و تأثیری بر توسعه واقعی روح و ذهن آحاد جامعه ندارد. طبیعتاً رشد بیش از پیش چنین نظامی هم خیلی فایده‌ای برای کشور نخواهد داشت.

اما اگر مشاهده کنیم که جامعه ایرانی رفتاری متفاوت با گذشته خود (به‌ویژه از دوران مشروطیت به این سو) نشان می‌دهد و موضوعات و شاخص‌های عمیق، بلند مدت و توسعه‌ای را در نظر می‌گیرد می‌توانیم به گذشته و آینده دانشگاه‌های خود امیدوار باشیم.

برای کشور و جامعه ایرانی و تک تک مردم عزیزمان، توسعه‌ای عمیق، پویا و پایدار آرزو می‌کنیم.